

نوشهرگرایی و حس مکان: مطالعه موردی محله هفت حوض شهر تهران

محسن کلانتری^۱ - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
صدیف اسلامی پریخانی - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران
ابوالفضل مشکینی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
عیسی پیری - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۵

چکیده

نوشهرگرایی به‌عنوان یک جنبش جدید در برنامه‌ریزی و طراحی شهری با اصول خود که بر ساخت شهرهایی مردمی و مناسب برای زندگی تأکید دارد، مکان‌سازی و فضای عمومی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده است. نوشهرگرایان ادعا می‌کنند که برنامه‌های آنان در قالب اصول ده‌گانه می‌تواند در شکل‌گیری حس مکان افراد مؤثر باشد. از این رو، هدف از انجام این تحقیق، شناخت میزان تأثیر هر یک از اصول نوشهرگرایی بر حس مکان در محله هفت حوض تهران می‌باشد. جهت تحقق این هدف، از روش توصیفی-تحلیلی و همبستگی استفاده شده است. روش گردآوری داده‌ها میدانی و ابزار آن "پرسشنامه محقق ساخته" می‌باشد که از روایی و پایایی قابل قبول برخوردار است. جامعه آماری تحقیق شامل ساکنین محله هفت حوض واقع در منطقه ۸ شهر تهران می‌باشد که تعداد آن ۳۰۴۰۱ نفر است. از این بین ۵۰۰ نفر به‌عنوان نمونه جهت مطالعه میدانی و توزیع پرسشنامه‌ها انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از مدل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از بین اصول نوشهرگرایی، ۹ اصل از آن تأثیر مثبت بر افزایش حس مکان دارند. طبق نتایج، اصل کیفیت زندگی با ضریب رگرسیون ۰/۶۳ بیشترین تأثیر مثبت و اصل افزایش تراکم با ضریب ۰/۰۹- تأثیر کاهنده بر حس مکان در محله هفت حوض دارد. بنابراین می‌توان گفت اصول نوشهرگرایی، به‌جز اصل افزایش تراکم، بر تقویت حس مکان در محله هفت حوض تهران تأثیر دارد و به‌عنوان رویکردی مطلوب در توسعه و بهبود زندگی شهری پذیرفته می‌شود.

واژگان کلیدی: نوشهرگرایی، حس مکان، محله هفت حوض.

مقدمه

ویژگی مشترک اغلب شهرها، فارغ از موقعیت مکانی، وضعیت اقتصادی و سطح توسعه‌یافتگی، این است که مردم باینکه همچنان فضای شهری را به گستردگی مورد استفاده قرار می‌دهند، هر روز بیش‌ازپیش بازخوردهای ضعیف می‌بینند. به طوری که در بسیاری از شهرهای دنیا به دلیل غلبه خودرو و تسلط آن بر شکل‌گیری فضاهای شهری، وضعیت نامطلوب برای شهروندان به یک مسئله عادی تبدیل شده است (گل، ۲۰۱۰: ۳-۴). با رشد شهرنشینی، ازدحام ترافیک شهری به طور روزافزون شدید شده و ناسازگاری بین جمعیت، منابع، محیط‌زیست برجسته گشته است (لی، ۲۰۱۶: ۷۶۳). این ناسازگاری‌ها باعث ایجاد شکاف بین انسان و مکان شده است و حس مکان به دلیل تنزل ارزش مکان کاهش یافته است. بنابراین، در عصر فرا مدرن تغییر رویکرد اساسی در حوزه‌های توسعه و بخصوص برنامه‌ریزی و طراحی شهری مشاهده می‌شود. امروزه، ماهیت برنامه‌ریزی دلالت بر این دارد که مداخلات و اقدامات سنجیده، می‌تواند با تدبیر بیشتر مکان‌سازی را به بالاترین حد افزایش دهد (پارن و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۱۸؛ هیگو و جنکینز، ۲۰۰۵: ۹۵).

یکی از جدیدترین رویکردها که سعی در افزایش مکان‌سازی و ارتقاء حس مکان دارد، نوشهرگرایی است. نوشهرگرایی به ایجاد و تقویت مکان‌هایی مبادرت می‌ورزد که تعاملات اجتماعی روزانه و زندگی عمومی در این مکان‌ها جریان یابد. هدف نوشهرگرایی ساخت مکان‌های پایدار در مقیاس انسانی است که در آن همه اقشار مردم می‌توانند در سلامتی و شادی زندگی کنند. نوشهرگرایان تأکید می‌کنند که ایده‌آل‌های برنامه‌ریزی کالبدی معنا و مفهومی عمیق‌تر از صرفاً یک معماری جذاب و طراحی سایت خوب است. به همین دلیل توجه به اهداف اجتماعی (تالن، ۲۰۰۲: ۱۶۵)، با اصول نوشهرگرایی مرتبط می‌شود. طرفداران نوشهرگرایی استدلال می‌کنند که الگوی شهری و محله‌ای پیاده‌محور و با کاربری ترکیبی بر اساس سبک سنتی می‌تواند حس اجتماعی را تقویت کرده و حس مکان را در بین ساکنان افزایش دهد. برخی تحقیقات نشان داده‌اند که رابطه مثبتی بین طرح‌های فیزیکی و رفتارهای مرتبط با حس اجتماعی وجود دارد (بیدلر، ۲۰۰۷: ۹۴). این در حالی است که برخی دیگر از تحقیقات رابطه مستقیم بین الگوهای سنتی محله‌ای با افزایش حس اجتماعی در میان ساکنان را تصدیق نکرده‌اند (براون و کروپر، ۲۰۰۱: ۴۰۲؛ ناصر، ۲۰۰۳: ۵۸؛ تالن، ۲۰۰۰: ۳۴۴).

از آنجاکه نوشهرگرایان ادعا دارند که ویژگی‌های کالبدی ارائه‌شده توسط آنان به افزایش حس مکان منجر می‌شود، می‌توان فهمید مکانی که بتواند حس مکان را در استفاده‌کنندگان از آن تحریک کرده و یا توسعه بدهد، مسلماً دارای ویژگی‌های عینی و ذهنی مناسبی است که می‌بایست شناخته شود و مورد توجه خاص واقع گردد. نوشهرگرایی به‌عنوان جدیدترین رویکرد در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مدعی است به این چنین ویژگی‌های عینی و ذهنی مناسب دست پیدا کرده است. باین‌وجود، رابطه طرح‌های کالبدی و اهداف اجتماعی هنوز یک بحث چالش‌برانگیز است و نیاز به تحقیقات زیادی دارد. از این‌رو، این مسئله مطرح است که نوشهرگرایی با طرح‌ها و راهکارهای کالبدی متعددی که برای ارتقاء کیفیت شهری و منطقه‌ای ارائه می‌دهد، چگونه می‌تواند حس مکان را در بین ساکنان محلات شهری تقویت کرده و به‌عنوان ابزاری برای مقابله با لامکانی مورد استفاده قرار گیرد.

بنابراین، در این تحقیق تلاش بر این است تا تأثیر نوشهرگرایی بر حس مکان در بین ساکنین محله هفت‌حوض شهر تهران مورد بررسی و تبیین قرار بگیرد. برای این کار، از اصول نوشهرگرایی به‌عنوان متغیرهای مستقل و تأثیرگذار بر حس مکان استفاده می‌گردد.

مبانی نظری

نوشهرگرایی یک پارادایم برنامه‌ریزی و طراحی و نیز یک جنبش اجتماعی پیچیده است (ال. هیندی و ای. تایل، ۲۰۰۱: ۱۸۹) که اولین بار در ایالات متحده در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی شروع شد. در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰

میلاادی، تعداد زیادی از طراحان شهری، برنامه‌ریزان، توسعه‌دهندگان و مهندسين از الگوهای توسعه غالب در آن زمان نامید شده بودند، که بیشتر روی ساخت مسکن‌های دور از مراکز سنتی شهرها و خیابان‌های اصلی تأکید داشتند. در عین حال داخل شهرها نوسازی شهری، بافت محلات قدیمی را نابود و جامعه یکپارچه را منزوی می‌ساخت. همان‌طور که شهرها در حال فروپاشی بودند، ائتلافی از طراحان شهری، معماران، برنامه‌ریزان، توسعه‌دهندگان و مهندسين متحد شدند و نوشهرگرایی را به وجود آوردند؛ جنبشی که برای سرمایه‌گذاری مجدد در طراحی، جامعه و مکان ایجاد شد (کنگره نوشهرگرایی، ۲۰۱۳). نوشهرگرایی به دنبال کاهش وابستگی به خودرو، و ایجاد محلات سرزنده و قابل پیاده‌روی از طریق آرایش مترکم مسکن، محل‌های اشتغال و مکان‌های تجاری است. همچنین نوشهرگرایی بازگشت به برنامه‌ریزی شهرک‌های سنتی را تقویت می‌کند، همان‌طور که در مکان‌هایی مانند داون تاون کارلستون^۱، کارولینای جنوبی^۲ و گئورگ استون در واشنگتن دی‌سی^۳ دیده شده است (برینی، ۲۰۱۷: ۸۷). از این‌رو، در اکتبر ۱۹۹۳ میلادی، اولین همایش در الکساندریا^۴ واقع در ویرجینیا^۵ برگزار شد تا برنامه‌ها و اقدامات در دست انجام را پیشنهاد و حول آن بحث نمایند که در نتیجه این همایش جنبش نوشهرگرایی بنیان نهاده شد. دغدغه و یا مسائل اصلی شرکت‌کنندگان در این همایش مربوط به رشد کم تراکم و نامنظم شهرها و سکونتگاه‌ها، بی‌مکانی، افزایش تبعیضات نژادی و اقتصادی، و همچنین بحران‌های زیست‌محیطی و وابستگی انسان به خودرو در شهرها بود. شش معمار در رأس شکل‌گیری این جنبش قرار داشتند که عبارت‌اند از پیتر کلتورپ^۶، آندره دوآنی^۷، الیزابت مول^۸، الیزابت پلاتر زیبرک^۹، استفانوس پولی زویدس^{۱۰} و دانیل سولومون^{۱۱} (آرنت و همکاران، ۲۰۰۰: ۱).

نوشهرگرایی به‌عنوان رویکردی در برنامه‌ریزی و توسعه، بر اساس اصولی قرار دارد که در قرن‌های گذشته بر شهرسازی حاکم بود؛ شهرهایی که دارای خیابان‌ها و محلات پیاده‌محور، مسکن و فروشگاه‌های نزدیک به هم و فضاهای عمومی در دسترس بودند. این اصول که با جزئیات بیشتر در منشور نوشهرگرایی آورده شده است، جایگزین‌هایی برای پراکندگی، فواصل طولانی و الگوهای کم تراکم توسعه شهری است. این اصول در نوسازی، تجدید حیات، تقویت و حفاظت شهری و در تمام مقیاس‌های جغرافیایی شامل خیابان‌ها، نواحی حومه‌ای، محلات شهری، مراکز شهری مترکم و تمام مناطق می‌تواند به کار گرفته شود. تقویت حیات در مکان‌های کم استفاده و رها شده، ایجاد محلات پیاده‌محور، اساس تفکر نوشهرگرایی را شکل می‌دهد و مکان‌سازی و تقویت فضای عمومی در اولویت برنامه‌های نوشهرگرایی قرار دارد. همچنین الگوهای مختلف حمل‌ونقل شامل پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، حمل‌ونقل همگانی و شخصی در طرح‌های نوشهرگرایی پیشنهاد می‌شود (کنگره نوشهرگرایی، ۲۰۱۳). این الگوها و راهکارهای پیشنهادی، می‌تواند به ارتقاء و حفظ شیوه‌های زندگی فعال و پرتحرک کمک کند (بوزاسی و سیته، ۲۰۱۵: ۱۳۸) و به‌عنوان یک عنصر اساسی در پویایی پایدار شهرها (بوسکیتی و مائوریزی، ۲۰۱۵: ۸)، کلید توسعه در آینده شهرها (گئورگیو و سوروگیو، ۲۰۱۶: ۸۸۴) در نظر گرفته شود.

برخی معتقدند نوشهرگرایی یکی از مهم‌ترین رویکردهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری در قرن ۲۱ است که کیفیت و

1. Downtown Charleston
2. South Carolina
3. Georgetown in Washington, D.C.
4. Alexandria
5. Virginia
6. Peter Calthorpe
7. Andres Duany
8. Elizabeth Moule
9. Elizabeth Plater-Zyberk
10. Stefanos Polyzoides 0
11. Daniel Solomon 1

استانداردهای زندگی را ارتقاء می‌دهد. همچنین نوشهرگرایی را بازگشت به هنر ساخت مکان‌ها می‌دانند و خواستار بازگشت به برنامه‌ریزی سنتی شهرها هستند (آرنت و همکاران، ۲۰۰۰: ۶). برخلاف رویکردهای مدرنیستی که در آن عامل خودرو به‌عنوان محور برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی شهری محسوب می‌شد، رویکرد جدید بر کاهش سلطه خودرو و اتومبیل بر فضاهای شهری تأکید دارد و توجه قابل ملاحظه‌ای به ابعاد و مقیاس انسانی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری معطوف می‌کند. در واقع، نوشهرگرایی یک جنبش بین‌المللی جهت اصلاح محیط ساخته‌شده و ارتقاء کیفیت و استانداردهای زندگی از طریق ایجاد مکان‌های بهتر برای مردم است و هدف آن ایجاد یک آینده بهتر برای تمامی انسان‌ها است (کنگره نوشهرگرایی، ۲۰۱۳). به‌طور کلی نوشهرگرایان تلاش می‌کنند از طریق ارتقاء کیفیت طراحی، جامعه را توسعه دهند و از محیط‌زیست مراقبت کنند تا از این طریق تراکم را افزایش دهند، تعامل اجتماعی را تسهیل کنند، از وابستگی به اتومبیل بکاهند و دسترسی پیاده را افزایش دهند.

نوشهرگرایان ده اصل از نوشهرگرایی ارائه داده‌اند که عبارت است از: "پیاده محور بودن، اتصال و پیوستگی، ترکیب کاربری‌ها و تنوع، مسکن متنوع و مختلط، معماری و طراحی شهری باکیفیت، حفظ و تقویت ساختار سنتی محله‌ای، افزایش تراکم، حمل‌ونقل هوشمند، پایداری و کیفیت زندگی" (کنگره نوشهرگرایی، ۲۰۱۳). مهم‌ترین سندی که به تشریح محتوای نظری نهضت نوشهرگرایی می‌پردازد، منشور نوشهرگرایی است. این سند که به‌عنوان منشور نظری نوشهرگرایان ارائه می‌شود را می‌توان بیانیه‌ای در مقابل منشور آتن که در آن دیدگاه مدرنیستی به معماری و شهرسازی توسط کنگره بین‌المللی معماران مدرن (سیام) تبیین شده بود، دانست. اهمیت منشور نوشهرگرایی در تأکید آن بر ارزش‌های انسانی و محیط‌زیست در مواجهه با تسلط خودرو بر شهرها می‌باشد. منشور نوشهرگرایی در سه سطح شامل ۱- منطقه، مادرشهر، شهر، و شهرهای کوچک، ۲- محله، زیر محله و کریدور و ۳- بلوک شهری، خیابان، و ساختمان (بنا)، ارائه شده است (آرنت و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۳-۷۱). در متن منشور راهکارها و اصولی برای ارتقاء زندگی اجتماعی و بهبود وضعیت زندگی انسان‌ها از طریق بهبود و اصلاح ویژگی‌های کالبدی ارائه شده است. نوشهرگرایان با ارائه منشور نوشهرگرایی سعی داشتند شهرهای بهتری را برای همه مردم ایجاد نمایند؛ شهرهایی که بتوانند تعامل اجتماعی و حس مکان را در بین ساکنین شهرها و استفاده‌کنندگان کلیه فضاهای شهری تقویت کنند و مکان را برای آنان جذاب و جالب نمایند.

نوشهرگرایی اجتماعات متنوعی را به وجود می‌آورد که بر هویت و کیفیت بالای زندگی و مکان استوار است. این اجتماعات تعاملات انسان‌ها را افزایش داده و منجر به تقویت حس مکان آن‌ها می‌شود. گرانت اظهار می‌دارد که دستیابی به اهداف نوشهرگرایان در پروژه‌های آنان جهت ایجاد فضاهای جذاب با عملکرد بهتر است. در کل، جوامع نوشهرگرا زیبا و دارای هویت و حس مکان قوی هستند. رویکردهای نوشهرگرایی به‌طور واضح در ایجاد جوامع برنامه‌ریزی شده جذاب، موفق بوده‌اند. بسیاری از این پروژه‌های ایجادشده، بخصوص آن‌هایی که توسط شرکت‌های شناخته‌شده معتبر ساخته شدند، دارای حس مکان، کاراکتر و هویت مشخصی هستند. زیرا نوشهرگرایی مکان‌هایی را ایجاد می‌کند که حس مکان را از طریق ویژگی‌های بصری زیبا و قابل‌شناسایی شکل می‌دهد و مردم نیز به آن نشانه‌های بصری واکنش نشان می‌دهند (گرانت، ۲۰۰۶: ۲۰۶-۲۰۷). در چنین شرایطی تعاملات مردم در داخل شهرها نیز به آن‌ها کمک می‌کند تا کیفیت زندگی شخصی‌شان را ارزیابی و حس مکان را در خود ایجاد کنند (ویلاوبوس، ۲۰۱۴: ۱).

بنابراین، نوشهرگرایی با پدیده بی‌مکانی به مبارزه می‌پردازد و تقویت حس مکان را از اهداف خود می‌شمارد. نوشهرگرایان با ارائه منشور نوشهرگرایی و تدوین اصول آن تلاش کردند از رشد پراکنده شهرها جلوگیری نمایند و با تغییر سیاست‌ها و برنامه‌ها به سمت رشد فشرده و متراکم شهرها و تغییر الگوهای حمل‌ونقل موتوری به الگوهای

حمل‌ونقل سبز، به افزایش تعامل اجتماعی و تقویت حس مکان کمک کنند. مارک ام. شیمنتی از بزرگان نوشهرگرایی بر نقش ساختمان‌ها در تقویت حس مکان اشاره می‌کند. از نظر وی ساختمان‌هایی که افراد را از محیط بیرون، دور نگه می‌دارند، علاوه بر اینکه با ماهیت منشور نوشهرگرایی در تضاد هستند، چنین ساختمان‌هایی با جدا شدن از دنیای خارج، ساکنانشان را نیز از حس مکان محروم می‌کنند (آرنت و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۶۹). پلاتر زیبرک و دونای از بنیان‌گذاران نوشهرگرایی نیز بر ارتباط نوشهرگرایی و حس مکان تأکید داشتند. آن‌ها بر نقش بنا و ساختمان و ارتباط آن با خیابان در شکل‌گیری تعامل اجتماعی و حس مکان اهمیت زیادی قائل بودند (گران، ۲۰۰۶: ۶۵). بر این اساس، تحقیقات و مطالعات تئوریک و نظری، رابطه بین نوشهرگرایی و حس مکان را مورد تأیید قرار داده‌اند. زیرا که نوشهرگرایی در تلاش است با بهبود کیفیت مکان‌ها و ایجاد یک محیط سرزنده، جذاب و اجتماعی، بتواند علاقه افراد نسبت به مکان‌های خاص را افزایش دهد.

از جمله عوامل کیفی محیط مصنوع که به لحاظ نظری یا طبق شواهد تجربی بر تعاملات اجتماعی و حس مکان تأثیر می‌گذارند، می‌توان به وجود عناصر و نقاط کانونی مانند عناصر هنر جمعی، اغذیه‌فروشی، پیاده راه پیوسته و مکان نشستن، طبیعت، ساختمان‌ها و مناظر جذاب، تأثیر فضای سبز بر حس اجتماعی مکان و دوستانه بودن محیط و عدم بروز رفتارهای غیر مدنی مانند تخریب‌گرایی محیطی و رهاسازی زباله‌ها اشاره کرد (مشهور و باقری، ۱۳۹۴: ۱۰۶). مکان‌های رفت‌وآمد بین ساختمان‌ها و خیابان‌ها نیز به شکل‌گیری حس مکان کمک می‌کنند (گران، ۲۰۰۶: ۶۵). پلاتر زیبرک و دونای قانونی را تنظیم کرده بودند که ارتباط ساختمان را با خیابان و دیگر خصیصه‌ها مشخص کند تا از این طریق حس مکان شکل بگیرد. برنامه‌ریزان شهری و معماران در توصیف مکان‌های جمعی موفق، علاوه بر عوامل محیط فیزیکی مانند مکان‌های نشستن، تغذیه، سرپناه، مردم و فعالیت‌ها، به برداشت ذهنی مخاطب از محیط نیز توجه می‌کنند. به‌طور مثال، کار و همکاران (۱۹۹۲) فضای جمعی خوب را حمایتگر، مردمی و واجد معنا تعریف می‌کنند که پاسخگوی نیازهای بنیادین انسانی مانند آسایش، تعامل فعال و غیرفعال بوده و امکان کشف محیط را فراهم می‌سازد (مشهور و باقری، ۱۳۹۴: ۱۰۶). این مکان‌ها می‌توانند در شکل‌گیری حس مکان موفق باشند. در کل، حس مکان زمانی شکل می‌گیرد که تعامل بین انسان و مکان افزایش یابد، زیرا مکانی که قادر به برقراری تعامل با انسان نباشد هرگز نخواهد توانست حس را در آن‌ها ایجاد کند. بنابراین مکانی که دارای حس مکان قوی است حتماً توانسته است تعامل بالایی را نیز بین ساکنان ایجاد کند.

از مباحث نظری می‌توان نتیجه گرفت که نوشهرگرایی از طریق ویژگی‌های کالبدی که پیشنهاد می‌کند، می‌تواند حس مکان را در بین مردم برانگیزد اما این مسئله نیاز به تحقیقات میدانی بیشتری دارد، زیرا هنوز تحقیقات کافی بخصوص در جوامع محلی انجام نشده است. از این‌رو، این تحقیق به دنبال شناخت رابطه نوشهرگرایی و حس مکان در محله هفت‌حوض شهر تهران است تا از این طریق مشخص شود که نوشهرگرایی چگونه می‌تواند در تقویت حس مکان در بین ساکنین محلات شهری مؤثر باشد.

روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف بنیادی و کاربردی و از نظر ماهیت جزء تحقیقات توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها از نوع میدانی است که بدین منظور از ابزار "پرسشنامه محقق ساخته" استفاده شده است. جامعه آماری عبارت است از ساکنین محله هفت‌حوض واقع در منطقه ۸ شهر تهران که طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ۱۳۹۵ تعداد آن ۳۰۴۰۱ نفر می‌باشد. طبق محاسبه انجام‌شده از طریق فرمول کوکران، ۳۷۹ نفر به‌عنوان حجم نمونه به‌دست‌آمده اما به

دلیل "دستیابی به نتایج بهتر" (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۴۰) این تعداد به ۵۰۰ مورد افزایش یافت. بنابراین پرسشنامه‌ها در بین ۵۰۰ نفر از ساکنین محله هفت‌حوض با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی توزیع و به اجرا گذاشته شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و عدد ۰/۸۴۹ به دست آمد که گویایی پایایی بالایی است. برای محاسبه روایی پرسشنامه نیز از شاخص روایی محتوایی و صوری استفاده شد که نتیجه آن نشان داد پرسشنامه از روایی کافی برخوردار است و می‌توان به نتایج آن اعتماد کرد. با توجه به اینکه این تحقیق سعی دارد تأثیر تعداد ۱۰ متغیر مستقل (اصول ده‌گانه نوشهرگرایی) را بر یک متغیر وابسته (حس مکان) مورد آزمون و بررسی قرار دهد، از مدل رگرسیون خطی چندمتغیره با استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. در مدل رگرسیون خطی چندمتغیره برای ورود متغیرها از روش هم‌زمان استفاده شده است که در آن همه متغیرهای مستقل به‌طور هم‌زمان وارد مدل شده و تأثیر هم‌زمان آن‌ها بر متغیر وابسته مورد آزمون قرار می‌گیرد.

محدوده مورد مطالعه

محله هفت‌حوض در ناحیه ۲ منطقه ۸ تهران واقع شده است. منطقه ۸ تهران از لحاظ تقسیمات شهری از سمت شمال و شمال شرقی به منطقه ۴، از جنوب به منطقه ۱۳ و از سمت غرب به منطقه ۷ محدود می‌شود. وسعت آن ۱۳۳۹ هکتار می‌باشد (شهرداری منطقه ۸ تهران، ۱۳۹۶). طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، جمعیت این منطقه ۴۲۵۱۹۷ نفر است. محله هفت‌حوض با وسعت ۱۰۹ هکتار و جمعیتی معادل ۳۰۴۰۱ نفر در شرق ناحیه دو منطقه ۸ قرار گرفته و ۸ درصد از جمعیت این منطقه را در خود جای داده است. که از این جمعیت، ۱۵۲۵۵ نفر زن و ۱۵۱۴۶ نفر مرد هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). شکل شماره ۱ موقعیت منطقه ۸ و محله هفت‌حوض را نشان می‌دهد. این محله از شمال به بزرگراه رسالت، از جنوب به خیابان شهید ثانی، از شرق به بلوار شهید آیت و از غرب به خیابان سمنگان محدود می‌شود.

طراحی سلسله مراتبی محله هفت‌حوض و اکثر محلات منطقه ۸، یکی از خصوصیات شهرسازی سنتی است که در اوایل قرن بیستم در شکل ایده باغشهرها و واحدهای همسایگی ظهور یافت. زیر محلات، محلات، نواحی و منطقه از مراتب شهری هستند که در این منطقه به‌وضوح مشخص است. طراحی میدان‌ها در مراکز محلات و زیر محلات به همراه فضای سبز و محل‌های نشستن و استراحت، امکان دسترسی پیاده و ۱۰ دقیقه‌ای به قسمت‌های مختلف محله، از ویژگی‌های طراحی شهری در محله هفت‌حوض است.

محله هفت‌حوض، به زیر محله‌هایی تقسیم شده است که هرکدام در مرکز خود میدان و فضای سبز دارند. همچنین مرزهای محله نیز از خیابان‌ها و بزرگراه‌هایی تشکیل شده است که این لبه‌ها مرکزیت تجاری و فعالیت‌های اجتماعی ساکنین منطقه و محله را تشکیل می‌دهد. مطالعه پهنه عملکردی محله هفت‌حوض نشان می‌دهد ساکنین این محله دسترسی مناسبی به امکانات آموزشی، درمانی، تجاری و مراکز خرید، مراکز فرهنگی و حمل‌ونقل عمومی مانند مترو و اتوبوس‌های سریع‌السیر شهری و مراکز مهم همانند میدان هفت‌حوض، میدان رسالت و چهارراه سرسبز دارند. با توجه به اینکه این مراکز در درون محله و یا در لبه‌ها قرار دارند، ساکنین می‌توانند به‌صورت پیاده نیز به این مراکز دسترسی داشته باشند. فضاهای عمومی این محله نیز بخصوص در لبه‌ها و میدان‌های محله، از کیفیت مطلوبی برخوردار است. مراکز خرید و فضاهای عمومی پر جنب‌وجوش و نفوذپذیر به ساکنین این محله فرصت بسیار خوبی برای زندگی جمعی در فضای شهری می‌دهد. با این وجود، این محله همانند دیگر محلات شهری ایران از نفوذ اتومبیل و آسیب‌های ناشی از ازدیاد و تراکم وسایل نقلیه موتوری و آلاینده در امان نمانده است، به‌طوری‌که خیابان‌ها، کوچه‌ها و هرجایی که امکان

پارک یا حرکت خودرو در آن وجود داشته باشد، تحت تسلط اتومبیل قرار گرفته و فضا را برای پیاده‌ها و حتی سواره‌ها تنگ نموده است. در حال حاضر خیابان‌ها و کوچه‌های محلات شهری در ایران به محل پارک و حرکت وسایط نقلیه آلاینده تبدیل شده است و حتی پیاده‌روها و پیاده راه‌ها نیز از آسیب خودروها و موتورسیکلت‌ها محفوظ نیست. در این شرایط، امنیت افراد پیاده از هر قشر و طبقه‌ای که باشد در معرض خطر قرار می‌گیرد. تهدید امنیت از طریق کاهش تحرک پیاده‌ها، امکان برخورد موتورسیکلت‌ها و اتومبیل‌ها با پیاده‌ها، آلودگی هوا و آلودگی صوتی فضای شهری، روی می‌دهد (مشاهدات میدانی، ۱۳۹۶). با وجود مشکلات مذکور، محله هفت حوض از شرایط لازم و کافی برای آزمون نوشهرگرایی در آن برخوردار است و به‌عنوان نمونه موردی برای بررسی رابطه نوشهرگرایی و حس مکان انتخاب شده است.



شکل شماره ۱. نقشه موقعیت منطقه ۸ و محله هفت حوض (شهرداری منطقه ۸ تهران)

بحث و یافته‌ها

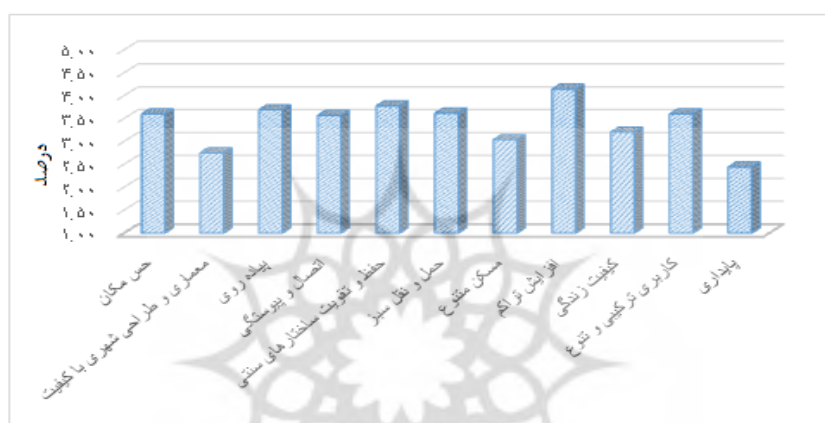
نتایج مربوط به ویژگی‌های عمومی پاسخگویان نشان می‌دهد ۱۵/۶ درصد زیر ۲۰ سال، ۴۸/۴ درصد بین ۲۰ الی ۴۰ سال، ۲۹/۸ درصد ۴۰ الی ۶۰ سال، ۶/۲ درصد نیز بالای ۶۰ سال سن دارند. همچنین ۶۰ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۰ درصد نیز زن هستند. مطالعه وضعیت تأهل نشان می‌دهد ۴۴/۴ درصد از پاسخگویان مجرد و ۴۹/۴ درصد متأهل می‌باشند و ۶/۲ درصد نیز سایر موارد مانند طلاق گرفته و ... را انتخاب کردند. وضعیت تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد ۰/۰۶ درصد بی‌سواد، ۲۰/۸ درصد تا سطح دیپلم، ۱۶/۸ درصد دیپلم، ۱۵/۶ درصد فوق‌دیپلم، ۳۱/۶ درصد لیسانس، ۱۰/۶ درصد فوق‌لیسانس و ۴ درصد نیز دارای تحصیلات سطح دکتری هستند. نتایج توصیفی مربوط به متغیرهای اصلی شامل میانگین و انحراف معیار نیز در جدول زیر آورده شده است.

جدول شماره ۱. میانگین و انحراف از معیار متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	میانگین	انحراف از معیار	حجم نمونه
حس مکان	۳/۶۰	۰/۷۹	۵۰۰
معماری و طراحی شهری با کیفیت	۲/۷۵	۰/۷۴	۵۰۰
پیاده‌روی	۳/۶۹	۰/۶۳	۵۰۰
اتصال و پیوستگی	۳/۵۷	۰/۶۴	۵۰۰
حفظ و تقویت ساختارهای سنتی	۳/۷۸	۰/۷۳	۵۰۰
حمل و نقل سبز	۳/۶۲	۰/۵۷	۵۰۰

۵۰۰	۰/۸۴	۳/۰۴	مسکن متنوع
۵۰۰	۰/۷۵	۴/۱۴	افزایش تراکم
۵۰۰	۰/۷۸	۳/۲۰	کیفیت زندگی
۵۰۰	۰/۶۷	۳/۶۰	کاربری ترکیبی و تنوع
۵۰۰	۰/۷۹	۲/۴۴	پایداری

ارقام ستون میانگین جدول فوق نشان می‌دهد متغیرهای افزایش تراکم، حفظ و تقویت ساختارهای سنتی محله‌ای، پیاده‌روی به ترتیب از نظر میانگین وضعیت بالاتری نسبت به متغیرهای دیگر در محله هفت‌حوض دارند. همچنین متغیرهای حمل‌ونقل سبز، کاربری ترکیبی و تنوع، حس مکان، اتصال و پیوستگی، کیفیت زندگی، مسکن متنوع، معماری و طراحی شهری باکیفیت و متغیر پایداری به ترتیب از نظر میانگین در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. برخوردارترین متغیر از نظر مردم، افزایش تراکم و پایین‌ترین میانگین مربوط به متغیر پایداری (۲/۴۴ درصد) است (شکل ۲).



شکل شماره ۲. نمودار وضعیت برخورداری متغیرهای مورد مطالعه در محله هفت‌حوض

برای اینکه بتوان متغیرها را وارد مدل رگرسیون چند متغیره کرد، لازم است تا همبستگی بین متغیرها مورد بررسی قرار گیرد، زیرا شرط ورود متغیرها به مدل رگرسیون وجود همبستگی بین آنهاست. بنابراین در جدول شماره ۲ نتایج آزمون همبستگی پیرسون آورده شده است.

جدول شماره ۲. همبستگی بین متغیرهای مستقل با حس مکان

همبستگی	سطح معناداری	متغیر
۰/۵۷	۰/۰۰۰	پیاده‌روی
۰/۴۶	۰/۰۰۰	اتصال و پیوستگی
۰/۳۵	۰/۰۰۰	ترکیب کاربری‌ها و تنوع
۰/۱۳	۰/۰۰۱	حفظ ساختارهای سنتی محله‌ای
-۰/۳۴	۰/۰۰۰	معماری و طراحی شهری باکیفیت
۰/۵۷	۰/۰۰۰	حمل‌ونقل سبز
-۰/۲۸	۰/۰۰۰	پایداری
۰/۴۵	۰/۰۰۰	مسکن متنوع
۰/۴۹	۰/۰۰۰	افزایش تراکم
۰/۸۱	۰/۰۰۰	کیفیت زندگی

نتایج آزمون همبستگی در جدول فوق نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه معنی‌دار و همبستگی وجود دارد. بیشترین همبستگی با متغیر وابسته حس مکان به ترتیب مربوط به متغیرهای کیفیت زندگی، حمل‌ونقل سبز،

پایاده‌روی، افزایش تراکم و اتصال و پیوستگی می‌باشد. با توجه به وجود همبستگی بین متغیرها، همه متغیرهای مستقل به‌صورت هم‌زمان وارد مدل رگرسیون شده‌اند که خلاصه نتایج آن در جدول شماره ۳ آورده شده است و نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل یا اصول نوشهرگرایی چقدر قادر به پیش‌بینی تغییرات ایجادشده در متغیر وابسته یا حس مکان هستند.

جدول شماره ۳. خلاصه مدل همبستگی و ضریب تعیین

خطای استاندارد برآورد	ضریب تبیین تعدیلی	ضریب تبیین R2	همبستگی R
۰/۳۷۹۷۲	۰/۷۷۱	۰/۷۷۶	۰/۸۸۱

میزان همبستگی یا R بین متغیرهای مستقل و وابسته ۰/۸۸ و در سطح بالایی می‌باشد. همچنین ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۰/۷۷۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته حس مکان مربوط به متغیرهای مستقل مورد مطالعه در این تحقیق می‌باشد. به عبارت دیگر، ۰/۷۷۶ درصد از تغییرات حس مکان توسط اصول ده‌گانه نوشهرگرایی پیش‌بینی و تبیین می‌شود. در مرحله بعدی، آزمون ANOVA برای تعیین سطح معنی‌داری و تأیید مدل خطی رگرسیون انجام شده است.

جدول شماره ۴. آزمون ANOVA جهت تعیین سطح معنی‌داری و تأیید مدل خطی

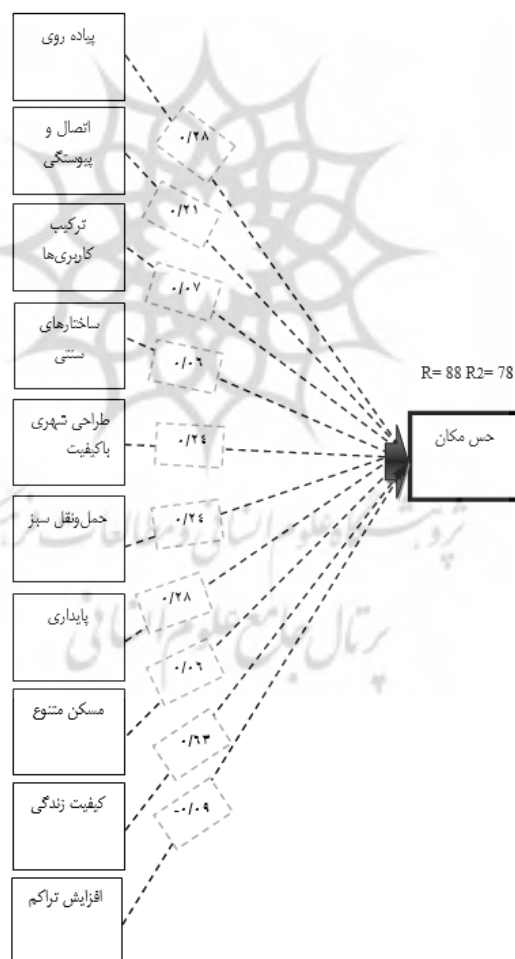
مجموع مجزورات	درجه آزادی	جزر میانگین	F	سطح معنی‌داری
۲۴۳/۵۷۲	۱۰	۲۴/۳۵۷	۱۶۸/۹۲۹	۰/۰۰۰
			۴۸۹	۰/۱۴۴
			۳۱۴/۰۷۹	۴۹۹
				کل

همان‌طور که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، سطح معنی‌داری مشاهده‌شده با توجه به مقدار F برابر با ۰/۰۰۰ است که بیانگر تأیید مدل خطی رگرسیونی است. با توجه به این نتایج می‌توان گفت اصول ده‌گانه نوشهرگرایی بر حس مکان مؤثر می‌باشد و قادر است تغییرات ایجادشده در حس مکان را به‌طور معنی‌دار و به‌صورت خطی پیش‌بینی کند. به‌منظور دستیابی به میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل در متغیر وابسته، ضریب تأثیر استاندارد و غیراستاندارد محاسبه‌شده است که نتایج آن در جدول شماره ۵ مشخص می‌باشد.

جدول شماره ۵. ضرایب رگرسیون

متغیرهای پیش‌بین	ضرایب غیراستاندارد		T	سطح معنی‌داری
	B	SE		
مقدار ثابت	-۳/۷۷۴	۰/۳۵۴	-۱۰/۶۷۷	۰/۰۰۰
معماری و طراحی شهری باکیفیت	۰/۲۵۶	۰/۰۳۴	۷/۴۵۴	۰/۰۰۰
پایاده‌روی	۰/۳۵۴	۰/۰۵۱	۶/۹۷۷	۰/۰۰۰
اتصال و پیوستگی	۰/۲۶۹	۰/۰۴۲	۶/۳۳۶	۰/۰۰۰
حفظ و تقویت ساختارهای سنتی	۰/۰۶۹	۰/۰۳۴	۲/۹۱۹	۰/۰۰۴
حمل‌ونقل سبز	۰/۲۸۴	۰/۰۵۸	۶/۰۲۲	۰/۰۰۰
مسکن متنوع	۰/۰۶۶	۰/۰۲۹	۲/۲۸۳	۰/۰۲۳
افزایش تراکم	-۰/۰۹۵	۰/۰۳۷	-۲/۵۸۶	۰/۰۱۰
کیفیت زندگی	۰/۶۴۸	۰/۰۲۷	۲۴/۱۶۵	۰/۰۰۰
اختلاط کاربری و تنوع	۰/۰۸۵	۰/۰۰۳	۲/۸۴۸	۰/۰۰۵
پایداری	۰/۲۸۷	۰/۰۳۴	۸/۵	۰/۰۰۰

نتایج ضرایب استاندارد یا ضریب بتا در جدول فوق نشان می‌دهد به ترتیب با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیرهای معماری و طراحی شهری باکیفیت، پیاده‌روی، اتصال و پیوستگی، حفظ و تقویت ساختارهای سنتی محله‌ای، حمل‌ونقل سبز، مسکن متنوع، افزایش تراکم، کیفیت زندگی، ترکیب کاربری‌ها و تنوع، و پایداری، متغیر وابسته حس مکان به ترتیب به میزان ۰/۲۴، ۰/۲۸۲، ۰/۲۱۷، ۰/۰۶۴، ۰/۲۴۹، ۰/۰۶۹، ۰/۰۹، ۰/۰۶۳۶، ۰/۰۷۲، و ۰/۲۸۴ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. نوشهرگرایی از طریق متغیر کیفیت زندگی با ضریب استاندارد شده ۰/۶۳۶ بیشترین تأثیر را در حس مکان دارد. همچنین نوشهرگرایی از طریق اصل پایداری با ضریب بتای ۰/۲۸۴، پیاده‌روی با ضریب بتای ۰/۲۸۲، حمل‌ونقل سبز با ضریب بتای ۰/۲۴۹، معماری و طراحی شهری با کیفیت بتای ۰/۲۴۰، اتصال و پیوستگی با ضریب بتای ۰/۲۱۷، کاربری ترکیبی و تنوع با ضریب بتای ۰/۰۷۲، مسکن متنوع با ضریب بتای ۰/۰۶۹ و اصل حفظ ساختارهای سنتی با ضریب بتای ۰/۰۶۴ به ترتیب بیشترین تأثیر را بر افزایش حس مکان در محله هفت‌حوض دارند. همچنین متغیر افزایش تراکم با ضریب بتای ۰/۰۹- تأثیر کاهنده در افزایش حس مکان دارد. از نتایج فوق مدل زیر به‌دست آمده است که در آن نوع و میزان تأثیر اصول نوشهرگرایی بر حس مکان مشخص شده است.



شکل شماره ۳. مدل تأثیر اصول نوشهرگرایی بر حس مکان در محله هفت‌حوض

مدل فوق نشان می‌دهد به‌جزء اصل افزایش تراکم، سایر اصول نوشهرگرایی تأثیر مثبت بر افزایش حس مکان در محله هفت‌حوض تهران دارند. بنابراین می‌توان گفت که نوشهرگرایی از طریق اصول خود که عبارت‌اند از پیاده‌روی، اتصال و پیوستگی، ترکیب کاربری‌ها و تنوع، حفظ و تقویت ساختارهای سنتی محله‌ای، معماری و طراحی شهری با کیفیت،

حمل‌ونقل سبز، پایداری، مسکن متنوع و کیفیت زندگی، بر افزایش حس مکان در بین ساکنین محله هفت‌حوض تهران به‌طور معناداری تأثیر مستقیم و مثبت دارد. با توجه به اینکه ضریب تبیین برابر با ۷۸ درصد است، چنین استنباط می‌شود که اصول نوشهرگرایی می‌تواند ۷۸ درصد از تغییرات حس مکان در محله هفت‌حوض را تبیین نماید.

رابطه نوشهرگرایی و حس مکان به‌طور مستقیم قبلاً فقط در رساله دکتری بیدلر (۲۰۰۸) مورد مطالعه قرار گرفته است. وی در این رساله به این نتیجه رسید که نوشهرگرایی از طریق طراحی محله بر اساس سبک‌های سنتی موجب تقویت حس مکان در بین ساکنین می‌شود. به‌جز این تحقیق، تحقیق دیگری که به‌طور مستقیم این رابطه را مورد مطالعه عملی قرار دهد مشاهده نشده است اما اشاره‌هایی تئوریک به وجود چنین رابطه‌ای در برخی آثار شده است.

از آنجاکه نتایج این تحقیق نشان داد نوشهرگرایی با اصول خود تأثیر معناداری بر افزایش حس مکان در محله هفت‌حوض تهران دارد، می‌توان چنین برداشت و تفسیر کرد که با به‌کارگیری اصول نوشهرگرایی در محلات شهری می‌توان برای تقویت حس مکان و رفع مشکل لامکانی در بین مردم اقدامات مفیدی انجام داد. زیرا انسان معاصر در بین ساختمان‌های بزرگ، بزرگراه‌ها و خیابان‌های ماشین‌رو، تراکم بیش‌ازحد خودروها، و دیگر مسائل شهری که خود نقشی در به وجود آمدن آن‌ها نداشته است، گرفتار شده است. از این‌رو حس مکان به‌شدت کاهش یافته و نیازمند سبک‌های شهرسازی جدید و بومی است. بنابراین اجرای اصول نوشهرگرایی می‌تواند با جلب توجه و رضایت مردم حس علاقه و دل‌بستگی آن‌ها را نسبت به مکان افزایش دهد.

ممکن است برخی اصول نوشهرگرایی به دلیل عدم تطابق با فرهنگ جوامع مختلف و عدم تأمین نیازهای اصلی و خواسته‌ها و علایق ساکنین، قابلیت اجرایی در محلات شهری را نداشته باشد. یکی از نتایج قابل‌بحث این تحقیق تأثیرگذاری کاهنده و منفی اصل افزایش تراکم بر حس مکان است. همان‌طور که کاکس (۲۰۰۳) می‌گوید: "اگر مردم می‌خواهند در بافت‌های شهری فشرده و با تراکم بالا زندگی کنند، پس به آن‌ها اجازه دهید که در مکان‌های متراکم و فشرده زندگی کنند، و اگر آن‌ها می‌خواهند در مکان‌های گسترده و پراکنده زندگی کنند، پس این اجازه را نیز به آن‌ها بدهید" (رتانا و دیگران، ۲۰۱۴). همچنین طبق نتایج برخی تحقیقات، سیاست یکپارچه‌سازی شهری (سیاست مقابله با توسعه پراکنده شهری) به‌عنوان یکی از سیاست‌های رویکرد توسعه حمل‌ونقل گرا که می‌تواند سبب تنزل حس مکان در برخی جوامع شود را در سیدنی استرالیا مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های وی نشان داد که اگر سنجش‌های مؤثر برنامه‌ریزی برای مدیریت بهتر یکپارچه‌سازی شهری در سطح محلی وجود نداشته باشد، خطراتی ایجاد می‌شود که می‌تواند منجر به تغییرات چشمگیری در ویژگی فرهنگی - اجتماعی حومه‌ها شود (هیدر، ۲۰۰۸). از این‌رو یک برنامه‌ریزی دقیق و عمیق محلی همیشه نیاز است تا اجرای اصول نوشهرگرایی در محلات مختلف منطبق و سازگار با شرایط محلی باشد و تغییرات تدریجی و مثبتی در جهت حل مشکلات و ارتقاء کیفیت مکان ایجاد کند.

در این خصوص الگوهای هم‌جواری به‌روشنی برخی از تفاوت‌های اساسی بین افراد را نشان می‌دهد، تفاوت‌هایی که غفلت از آن‌ها خطرات عظیمی را به وجود می‌آورد. بدون آگاهی از نیازهای فضایی مردم و تفاوت‌های آن در کشورها و فرهنگ‌های مختلف، احتمال تحمیل قالب‌هایی که تناسبی با نیازهای مردم جامعه ندارد، بسیار بالا است (تی‌هال، ۱۳۸۴: ۱۵۲-۱۵۳).

بنابراین، الگوهای شهرسازی جدید به‌عنوان مثال شهرهای فشرده با تراکم بالا، نباید بر مردمی که خواستار زندگی در بافت‌های گسترده شهری هستند، تحمیل شود. درحالی‌که یکی از اهداف اصلی نوشهرگرایی، ایجاد جوامع دموکراتیک از طریق برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. اصل تنوع‌بخشی نوشهرگرایی در واقع به همین نکته اشاره دارد که شهر و محله متعلق به همه اقشار مردم باشد، نه اینکه به‌مانند شهر مدرن فقط خواسته‌ها و علایق بخشی از مردم و یا ایده‌های برخی برنامه‌ریزان و معماران بر اقشار مختلف مردم تحمیل شود. از این‌رو نمی‌توان صرفاً به دنبال الگوهای

جهان شمول و غیرقابل انعطاف بود، بلکه شهرها و محلات شهری در حال حاضر نیاز به طرح‌ها و برنامه‌هایی دارند که بتواند به شرایط محلی و خواسته‌های ساکنین محلی پاسخگو باشد.

نتیجه‌گیری

مطالعه تأثیر اصول نوشهرگرایی بر حس مکان در محله هفت‌حوض نشان داد متغیر کیفیت زندگی همان‌طور که نوشهرگرایان از آن به‌عنوان یکی از اصول نوشهرگرایی نام می‌برند، از طریق مؤلفه‌هایی همچون رضایت از زندگی، امکانات زندگی و رضایت از وضعیت شهر و محله بیشترین تأثیر را بر افزایش حس مکان دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که هرچند از نظر معماری و شهرسازی محیط برای زندگی شهروندان مناسب باشد، اما اگر کیفیت زندگی افراد از نظر امکانات و خدمات و رضایت از زندگی شخصی‌شان مناسب نباشد، حس مکان کاهش می‌یابد و اگر کیفیت زندگی افراد ارتقاء یابد تأثیر زیادی بر افزایش حس مکان خواهد گذاشت. اصل پایداری نیز بعد از کیفیت زندگی بیشترین تأثیر را بر افزایش حس مکان دارد. چنین نتیجه‌ای بیانگر آن است که مسائل مختلف شهری مانند آلودگی هوا، آلودگی صوتی، امنیت خانواده‌ها، توزیع عادلانه امکانات و خدمات اجتماعی و اقتصادی نقش زیادی در شکل‌گیری حس مکان افراد دارد. همچنین اصل پیاده‌روی که جایگاه بالایی در برنامه‌ریزی شهری جدید دارد، بعد از دو اصل فوق‌الذکر بیشترین تأثیر را بر افزایش حس مکان دارد. در این اصل، فضای کافی و امن برای پیاده‌روی و دسترسی پیاده به تمام نقاط محله و به‌طور کلی پیاده‌روی باکیفیت و ایجاد پیاده‌راه‌ها و پیاده‌روها، می‌تواند مکانی برای زندگی ایجاد کند که باعث دل‌بستگی و علاقه ساکنین شود. اصل حمل‌ونقل سبز نیز که مربوط به توسعه حمل‌ونقل غیر آلاینده و غیر موتور در تمام سطح شهر است، تأثیر قابل‌توجهی بر افزایش حس مکان دارد. این اصل بر ایجاد و توسعه پیاده‌راه‌ها، مسیرهای دوچرخه‌سواری و حمل‌ونقل همگانی تأکید دارد. اصل معماری و طراحی شهری با کیفیت نیز که بیشتر جنبه زیبایی‌شناختی دارد و شهرسازی را به سمت وسوی ایجاد یک محیط باکیفیت برای استفاده شهروندان سوق می‌دهد، بعد از حمل‌ونقل سبز تأثیر زیادی بر افزایش حس مکان دارد. با توجه به اینکه اتصال و پیوستگی پیاده‌راه‌ها و پیاده‌روها و ساختمان‌ها و نظم و ترتیب حاکم در آن بر روی زندگی ساکنان شهری مهم است، رتبه بعدی تأثیرگذاری بر افزایش حس مکان را دارد. علاوه بر اصول مذکور، اصل کاربری ترکیبی و تنوع، مسکن متنوع و حفظ و تقویت ساختارهای سنتی محله‌ای با ضرایب بتای پایین‌تر اما معنادار بر افزایش حس مکان در محله هفت‌حوض تأثیر دارند.

یکی از یافته‌های متفاوت تحقیق این است که افزایش تراکم، تأثیر منفی یا کاهنده بر حس مکان دارد، به‌طوری‌که با افزایش تراکم شهری، حس مکان در بین ساکنان محله هفت‌حوض کاهش یافته است. بر این اساس یک تعدیلی در رابطه نوشهرگرایی و حس مکان ایجاد می‌شود. طبق این یافته‌ها، برای اینکه بتوان حس مکان را در محلات شهری ارتقاء داد، می‌توان از الگوی "نوشهرگرایی منهای افزایش تراکم" استفاده کرد. بنابراین با کمی تعدیل، نوشهرگرایی به‌عنوان رویکردی که می‌تواند با استفاده از مکان‌سازی و ارتقاء کیفیت مکان حس علاقه و یا حس مکان را در بین مردم برانگیزد، موردقبول واقع شود.

نتایج و مباحث این تحقیق نشان داد با توجه به میزان تأثیرگذاری هر یک از اصول ده‌گانه نوشهرگرایی بر افزایش حس مکان، چگونه هر یک از اصول نوشهرگرایی می‌تواند در اولویت برنامه‌ریزان، جغرافیدانان و شهرسازان باشد. اولویت‌دهی به هر یک از اصول بر اساس میزان تأثیر آن‌ها، یک نتیجه بر اساس یافته‌های این تحقیق در محله هفت‌حوض می‌باشد. شرایط محلی محله هفت‌حوض نیز ایجاب می‌کند که تعدیلی در نوشهرگرایی انجام یابد و به‌جای افزایش تراکم، در این خصوص تعادلی به وجود آید و برنامه‌های نوشهرگرایی جهت ایجاد و یا افزایش حس مکان با شروطی خاص به اجرا گذاشته شود.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

منابع

- ۱) آرنت رندل و دیگران، ۲۰۰۰، منشور نوشهرگرایی، ترجمه علیرضا دانش و رضا بصیری مژدهی (۱۳۸۷)، چاپ اول، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- ۲) تی‌هال ادوارد (۱۳۸۴)، بعد پنهان، ترجمه منوچهر طیبیان، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳) حافظ‌نیا محمدرضا، ۱۳۸۵، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- ۴) مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، اخذ شده از درگاه ملی آمار.
- ۵) مشهور زینب و باقری محمد، ۱۳۹۴، نقش ساختارهای فضایی دوقطبی در ارتقاء تعامل‌پذیری و حس مکان (مورد پژوهی در مجموعه‌های آئینی و شهری)، نشریه آرمان‌شهر، ۱۵، ۱۱۸-۱۰۵.
- 6) Al-Hindi K. & Karen E.T., 2001, Re Planning the New Urbanism Debates: Toward an Interdisciplinary Research Agenda, *Urban Geography*, 22, 189-201.
- 7) Arendt, R., 2008, Charter of the New Urbanism, First Edition, Translated by Alireza D & Basiri R., Tehran Municipality Associated Companies & Organizations Affairs Department.
- 8) Beidler K.J., 2007, Sense of Place and New Urbanism: Towards a Holistic Understanding of Place and Form, PHD Thesis in Environmental Design and planning, Blacksburg, Virginia.
- 9) Boschetti F, Maurizi I., Cr Ivo., 2015, Innovative Urban Transport Solutions, Civitas Publisher, Downloaded from <http://www.civitas.eu>
- 10) Briney A., 2017, New Urbanism is Taking Planning to a New Level, Published by: <https://www.thoughtco.com>
- 11) Brown, B., & Cropper, V., 2001, New Urban and Standard Suburban Subdivisions; Evaluating Psychological and Social Goals, *Journal of the American Planning Association*, 67(4), 402 - 419.
- 12) Buzasi A., Csete M., 2015, Sustainability Indicators in Assessing Urban Transport Systems, *Transportation Engineering*, 43(3), 138-145.
- 13) Congress for the New Urbanism., 2013, New Urbanism, Homepage of New Urbanism, 598, 8-10. Retrieved from: <http://newurbanism.org/newurbanism.html>
- 14) Congress for the New Urbanism., 2013, Principles of Urbanism, Homepage of New Urbanism, Retrieved from: <http://www.newurbanism.org/newurbanism/principles.html>
- 15) Cox, S., 2003, The Village at Tom's Creek. A Great Place to Come Home To, Builder/Architect, Southwest Virginia Edition.
- 16) Gehl Jan., 2010, Cities for People, Island Press
- 17) Gheorghiu R. N, Surugiua M. C., 2016, Evaluation of Public Transport Trips Using Mobile Communications, *Procedia Technology*, 22, 884-888.
- 18) Grant Jill., 2006, Planning the Good Community: New Urbanism in Theory and Practice, Routledge, USA & Canada.
- 19) Hafeznia Mohamadreza, 2006, An Intridduction to Reaserch Method In Humanity Science, Twelfth Edition, Tehran: Samt Publication.
- 20) Hague C., P. Jenkins., 2005, Place Identity, Participation and Planning, Oxford shire: Routledge.
- 21) Heather C. h., 2008, Urban consolidation and Its impact on sense of place, Thesis Prepared for Planning and Urban Development Program, The Faculty of the Built Environment, University of New South Wales.
- 22) Li Han., 2016, Study on Green Transportation System of International Metropolises, *Procedia Engineering*, 137, 762-771.

- 23) Mashhour Zeynab and Bagheri Mohammad., 2015, The role of bipolar spatial structures in promoting interactivity and sense of place (case study of ritual and urban complexes), Arman Shahr Journal, 15, 118-105.
- 24) Nasar, J., 2003, Does Neotraditional Development Build Community, Journal of Planning Education and Research, 23, 58 - 68.
- 25) Puren K., Drewes E., Roos V., 2007, An Exploration of Sense of Place as Informative for Spatial Planning Guidelines: A Case Study of the Vredefort Dome World Heritage Site, South Africa”, International Journal of Civil, Environmental, Structural, Construction and Architectural Engineering, 1(4), 1-15.
- 26) Retana A., Pena C., Ortega L. M., 2014, Critiques, Replicas and Proposals for the New Urbanism, Urbanism, Architecture, Construction, 5(1), 3-19.
- 27) Statistical Center of Iran, 2016, National census of population and housing, Retrieved from: <https://www.Amar.org.ir>.
- 28) Hall. T. Edward., 2005, The Hidden Dimension, second Edit, translated by Tabibian M., Tehran University Press
- 29) Talen, E., 2000, Measuring the Public Realm: A Preliminary assessment of the Link between Public Space and Sense of Community, Journal of Architecture and Planning Research, 17(4), 344 - 360.
- 30) Talen, E., 2002, Social Goals of New Urbanism, Housing Policy Debate, 13(1), 165-187.
- 31) Villalobos Andrea Z., 2014, New Urbanism and Diverse Communities: an Analysis of Kyle, Texas, Presented to the Honors Committee of Texas State University-San Marcos in Partial Fulfillment of the Requirements, for Graduation in the Honors College.

